

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۱۴

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال سیزدهم، شماره ۵۰، تابستان ۱۳۹۸

آسیب شناسی جریان شریعت گرای سنتی در مواجهه با روایات منع قیام در عصر غیبت

ابوذر رجبی^۱

چکیده

در گونه شناسی روحانیت شیعی در مواجهه با دین و معرفت دینی از دو جریان شریعت گرایان سنتی و عقل گرایان تمدن ساز می توان یاد کرد. جریان شریعت گرای سنتی از جهت معرفت شناسی دینی فارغ از برخی محسنات، با آسیب ها و چالش های فراوانی نسبت به جریان عقلانیت تمدن ساز برخورددار است. جمود بر ظواهر آیات و روایات، فروکاستن جایگاه عقل و ارزش معرفت شناختی آن از جمله مهم ترین آسیب های کلان این جریان به حساب می آید. در مسئله مهدویت چالش مذکور جدی تر خواهد بود. هم به جهت روش شناسی و معرفت شناسی و هم به جهت بعد عملی و جامعه سازی، مهدویت پژوهی جریان یاد شده با داعیه پایبندی به مهدی باوری با مشکل اساسی روبه رو خواهد بود. مهم ترین دلیل قائلین به این جریان در عصر غیبت وجود پاره ای از روایات مبنی بر عدم قیام در دوره غیبت است. ارائه نکردن طرح و الگویی مشخص و عملی در عصر غیبت برای حضور احکام اجتماعی دین، انفعال در برابر جریان مدرنیسم و تمدن غرب، عدم آینده نگری، محافظه کاری در برابر جریان های مخالف دین و ارزش های دینی

۱. استادیار دانشگاه معارف اسلامی (abuzar_rajabi@yahoo.com).

از جمله مهم‌ترین آسیب‌های آن به جهت پذیرش روایات منع قیام در عصر غیبت است. در مقابل جریان عقلانیت تمدن‌ساز از نقشه عملیاتی در عصر غیبت برای احکام اجتماعی دین، واکنش دربرابر تمدن غرب، آینده‌نگری و پی‌ریزی برای تمدن نوین اسلامی جهت زمینه‌سازی ظهور حضرت حجت علیه السلام سخن می‌گوید.

هدف تحقیق پیش‌رو آسیب‌شناسی جریان شریعت‌گرایی سنتی در مواجهه با این دسته از روایات است که نتیجه آن نفی این مدل از مهدویت پژوهی و در قبال آن اثبات جریان بدیل یعنی عقلانیت تمدن‌ساز است. روش تحقیق توصیفی - تبیینی و با رویکرد تحلیل انتقادی خواهد بود.

واژگان کلیدی

جریان شریعت‌گرایی سنتی؛ جریان عقل‌گرایی تمدن‌ساز؛ آسیب‌شناسی؛ مهدویت پژوهی؛ روایات منع قیام.

طرح مسئله

تقسیم عالمان شیعی به شریعت‌گرایان سنتی و عقلانیت‌مدن‌ساز عمدتاً در عرصه مسائل سیاسی صورت می‌گیرد. حتی برخی از مستشرقان و متفکران غربی نیز از این منظر به تقسیم جریان‌های شیعی حوزوی پرداخته و از جریان سنتی یا غیرسیاسی و جریان محافظه‌کار و جریان انقلابی و اسلام‌سیاسی یاد می‌کنند. (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۴۴۰-۴۳۶؛ کدی، ۱۳۷۵: ۳۵۴-۳۵۲؛ هیرو، ۱۳۸۶: ۱۷۶؛ دفرنوزو، ۱۳۷۹: ۵۲) اما در عرصه مهدویت چنین تقسیمی صورت نگرفته و از این منظر کار مستقلی در حوزه جریان‌شناسی صورت نگرفته است.

جریان عقلانیت‌مدن‌ساز دربرابر جریان شریعت‌گرایان سنتی به اسلام‌سیاسی معتقد است. (بهروزلک، ۱۳۸۶: ۷؛ حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۷) رکن اساسی در اسلام‌سیاسی در باور این جریان تشکیل حکومت در عصر غیبت است. در واقع تمایز بنیادین اینان با شریعت‌گرایان سنتی را باید در پذیرش حکومت در هر عصر و زمانی دانست. (سعید، ۱۳۷۹: ۲۰)

از جهت بسترشناسی تاریخی جریان شریعت‌گرایان سنتی از صدر اسلام حضور داشته و نوع نگاهشان عمدتاً با عناوینی چون نص‌گرایان، ظاهرگرایان و نقل‌گرایان در میان متفکران شیعه و سنی مطرح بوده‌اند. در میان شیعه جریان نص‌گرا و در ادامه جریان اخباری‌گری نمود شریعت‌گرایان سنتی هستند. امروزه شاید نتوان با اطمینان از حضور رسمی اخباریون یاد کرد؛ اما جلوه‌های آن به خصوص در عرصه مهدویت حضور پررنگی در میان شیعیان دارد. حتی شاید از جهت نظری عالمی اصولی باشد، اما در مقام عمل رویکرد اخباری و ظاهرگرایی داشته

باشد. شخصیت‌هایی چون سیداحمد خوانساری، سیدمحمود موسوی دهرسخی، محمد حلبی، یعسوب‌الدین رستگار جویباری را می‌توان از این دسته دانست (جعفریان، ۱۳۸۱: ۲۱۴-۲۱۳؛ خسروپناه، ۱۳۸۹: ۶۲؛ دارابی، ۱۳۸۸: ۷۳-۷۲؛ مظفری، ۱۳۸۰: ۲۴۸). جریان مقابل یعنی عقلانیت تمدن‌ساز نیز از گذشته در میان متفکران اسلامی مطرح بوده است. نمود جدی این جریان در دوران معاصر با احیای دین و شناخت کارویژه‌های اصلی دیانت توسط امام خمینی علیه السلام مطرح شد. البته متفکرانی چون سید جمال اسدآبادی، شهید مدرس، علامه طباطبایی، شهید صدر و... به نقش اجتماعی دین توجه جدی داشته‌اند، اما نمود این جریان به خصوص با مسئله تحقق حکومت اسلامی توسط حضرت امام قابل‌بازیابی است. از این جریان گاهی به مجدد احیاگر (صادقی رشاد، ۱۳۸۸) گاهی به اسلام احیا شده (کچوپیان و زائری، ۱۳۹۱) و گاهی به اسلام سیاسی (بهروز لک، ۱۳۸۶) یاد می‌شود.

مقابله این دو جریان در عرصه مسائل مختلف از جمله مهدویت در طول تاریخ به شکل‌های گوناگونی صورت گرفت. در سده اخیر مواجهه جریان ولایتی‌ها یا همان شریعت‌گرایان سنتی با جریان عقلانیت تمدن‌ساز در مسائل مهمی چون مهدویت و نگاه به آخرالزمان و عصر غیبت کاملاً مشهود است. اگرچه به طور رسمی انجمن حجتیه و ولایتی‌های افراطی از مسئله سکوت در عصر غیبت و عدم تشکیل حکومت سخن می‌گویند، اما در مقام عمل نیز افراد زیادی از این دو جریان دفاع می‌کنند. اگرچه در مقام نظریه‌پردازی برنیامده و یا حتی در دروس فقهی خود شاید قائل به وجوب امر به معروف و نهی از منکر در زمان غیبت باشند. اما به صورت عملی گرایش به پذیرش روایاتی دارند که مسئله عدم قیام و تشکیل حکومت در عصر غیبت را مطرح می‌کنند. اینان به صراحت بیان می‌دارند فلسفه غیبت بدان جهت است که شرایط و زمینه برای اجرایی کردن احکام دین خدا وجود ندارد، بنابراین باید در این زمان سکوت کرد و به اصطلاح قائل به تقیه زمانی می‌شوند.^۱ (باقی، ۱۳۶۳: ۱۰۴؛ تاجری، ۱۳۵۸: ۱۱۸-۱۱۷) حضرت امام به عنوان نماینده جریان عقلانیت تمدن‌ساز در مقابل با جریان شریعت‌گرایان سنتی به صراحت از آنان به مقدس‌مآبان و متحجران و ناآگاهان مقدس و کج‌اندیش یاد می‌کنند. در منشور تاریخی خود به روحانیت با گله از این جریان بیان می‌دارند: «خون‌دلی که پدر پیرتان از

۱. باقی درباره باور حزب قاعدین در مسئله تقیه می‌نویسد: «حزب قاعدین بر این باور است که صرفاً باید مهیا باشیم. نیرو پس‌انداز کنیم و حتی تظاهر به مخالفت با دشمن هم نکنیم و موافقت زبانی هم نکنیم و همیشه تا ظهور و قیام در سنگر تقیه و استتار و سکوت و عدم تظاهر به مخالفت با دشمن و در کمینگاه صبر به سر ببریم». (باقی، ۱۳۶۳: ۱۳۸)

این دسته متحجر خورده است، هرگز از فشارها و سختی‌های دیگران نخورده است.» (امام خمینی، ۱۱۳۸۹: ج ۲۱، ۲۷۸)

در تحقیق پیش‌رو با روش کیفی و نظری، و با رویکردی انتقادی مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی آسیب‌های جریان شریعت‌گرای سنتی را در مسئله مهدویت براساس تکیه بر روایات منع قیام در عصر غیبت بررسی و دیدگاه مقابل این جریان یعنی عقلانیت تمدن‌ساز به اجمال بیان خواهد شد.

پیشینه پژوهش

درباره مسئله تحقیق یعنی آسیب‌شناسی جریان شریعت‌گرای سنتی چه به شکل عام در حوزه‌های مختلف و چه به شکل خاص در عرصه مهدویت کار قابل توجهی صورت نگرفته است، و انصافاً باید اذعان کرد که با فقر پژوهش در این حوزه مواجه هستیم. البته به صورت کلی به مسئله جریان روحانیت سنتی و نواندیش در عرصه کارهای پژوهشی، تحقیقاتی در قالب کتاب و مقاله و پایان‌نامه انجام گرفته است. کتاب‌هایی مانند *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران* از رسول جعفریان؛ کتاب *جریان‌شناسی فکری و فرهنگی ایران معاصر* از عبدالحسین خسروپناه؛ کتاب‌های *روحانیت و تجدد و دانش سیاسی در حوزه علمیه قم* از عبدالوهاب فراتی؛ کتاب *دین‌پژوهی معاصر: درنگی در گفتمان‌های سه‌گانه منجمد، متجمد و مجدد* از علی اکبر صادقی رشاد؛ مقاله‌های «درآمدی بر جریان‌شناسی اندیشه اجتماعی دینی در ایران معاصر» و «درآمدی بر جریان‌شناسی اندیشه اجتماعی دینی در ایران معاصر»، از محمدتقی سبحانی؛ مقاله «گونه‌شناسی روحانیت و دیدگاه امام خمینی (ره)» از رضا عیسی‌نیا بخشی از آثاری هستند که اشاره اجمالی به کلیت جریان شریعت‌گرایان سنتی می‌کنند.

درباره روایات منع قیام در عصر غیبت هم چند کتاب و مقاله نوشته شده است که در ادامه تحقیق به آنها اشاره خواهد شد، اما هیچ‌یک از آنها به مسئله تحقیق حاضر یعنی آسیب‌شناسی جریان شریعت‌گرای سنتی در مواجهه با این روایات و لوازم دیدگاه آنان اشاره‌ای ندارند. از این حیث این تحقیق در نوع خود ابداعی بوده و سابقه‌ای در میان پژوهش‌های دیگر ندارد.

روایات منع قیام در عصر غیبت

روایات ناظر به منع قیام چند دسته‌اند. در میان آثاری که تاکنون نوشته شده آقای ابراهیم امینی در کتاب *دادگسترجهان* (۱۳۸۰: ۲۹۶-۲۵۴) دسته‌بندی خوبی از این روایات ارائه کرده‌اند؛ البته همه روایات را نیاورده و به تحلیل آنها پرداختند. در میان این روایات پاره‌ای از

آنها وظیفه شیعیان در عصر غیبت را خانه نشینی و پرهیز از حضور در اجتماع می‌داند. این دسته از روایات که با تعبیر «احلاس بیوت» (ابن ابی‌زینب، ۱۳۹۷: ۱۹۴ و ۲۶۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۳۵؛ حرعاملی، ۱۴۲۵: ج ۵، ۱۵۸) در لسان ائمه علیهم‌السلام ذکر شده، به نوعی از شیعیان و منتظران خواسته می‌شود که دست به قیام و حرکات سیاسی و اجتماعی تا قبل از قیام قائم علیه‌السلام نزنند. نمونه آن روایتی است که امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند:

یا سدیدالزم بیتک وکن حلساً من احلاسه واسکن ما سکن اللیل والنهار، فاذا بلغک ان السفیانی قد خرج، فارحل الینا ولوعلی رجلک؛
ای سدید هم‌چنان در خانه بمان و همان‌جا منزل کن، تا شب و روز ساکن است تو نیز ساکن منزلت باشد تا زمانی که سفیانی خروج کند، آن‌گاه به سوی ما شتاب کن، گرچه با پای پیاده باشی. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۷۰ و ۳۰۳)

دسته دوم روایاتی هستند که به صراحت سخن از باطل و طاغوت بودن پرچم‌های قیام قبل از ظهور حضرت را بیان می‌دارند. به عنوان نمونه امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام در روایت مشابهی می‌فرمایند:

کل رأیه ترفع قبل قیام القائم علیه‌السلام، فصاحبها طاغوت یعبد من دون الله عزوجل؛
هر پرچمی که پیش از قیام قائم علیه‌السلام به اهتزاز درآید، پرچمدار آن طاغوت است که غیر خدا را بندگی می‌کند. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ۲۹۵؛ ابن ابی‌زینب، ۱۳۹۷: ۱۱۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۵، ۱۱۴؛ ج ۵۲، ۱۴۳؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۵، ۵۲؛ کورانی، ۱۴۳۰: ۷۴۷)

دسته دیگر روایاتی است که ائمه قیام قبل از حضرت صاحب علیه‌السلام را مانند جوجه پرنده‌ای می‌دانند که پیش از آن‌که بال و پر او ردیف شود، از لانه خود بیرون زده و پرواز کند، البته به زمین می‌افتد آن را گرفته و کودکان ابزار بازی و سرگرمی خود قرار می‌دهند. نمونه آن فرمایشی از امام سجاد علیه‌السلام است که حضرت می‌فرمایند:

والله لا یخرج واحدٌ منّا قبل خُروج القائم علیه‌السلام الاکان متلّه متلّه مثل فریح طارمین وکثره قبل ان یتوی جناحاه، فأخذّه الصبیان، فعیشوا به. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ۲۶۴؛ ابن حیون، ۱۴۰۹: ج ۳، ۳۵۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۰۳؛ کبیرمدنی شیرازی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۱۹۲)

در روایت دیگری به نقل از امام صادق علیه‌السلام آمده است:

ما خرج ولا یخرج منّا اهل البیت اِلی قیام قائمنا احدٌ لیدفع ظلماً او ینعش حقاً الا اضطلّمته البلیه، وکان قیامه زیاده فی مکروهنا وشیعتنا؛
هیچ کسی از ما اهل بیت، برای دور کردن ظلمی یا گرفتن حقی، پیش از قیام قائم ما به

پا نمی‌خیزد، مگر آن‌که دچار مصیبت و بلا می‌شود، و به پا خاستن او سبب زیاد شدن رنج ما و شیعیان ما می‌شود. (کبیر مدنی شیرازی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۱۸۸؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳: ج ۲۰، ۹۴۵)

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده است که در عصر غیبت شیعیان در صورت تعرض به سلطان جائز اجری نخواهند داشت:

يَا مُفَضَّلُ مَنْ تَعَرَّضَ لِسُلْطَانٍ جَائِرٍ فَأَصَابَتْهُ بَلِيَّةٌ لَمْ يُوجَرْ عَلَيْهَا وَلَمْ يُرْزَقِ الصَّبْرَ عَلَيْهَا؛ کسی که متعرض سلطان جائز گردد و در این راه به بلیه‌ای گرفتار شود، بر آن اجری نخواهد داشت و صبر بر تحمل آن، روزی او نخواهد شد. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵، ۶۱؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۵۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۲، ۳۷۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۶، ۱۲۸)

از مشهورترین روایاتی که برای منع قیام در عصر غیبت مستمسک شریعت‌گرایان سنتی است، جمله‌ای است از امام علی علیه السلام در نهج البلاغه با این مضمون:

الرُّمُومُ الْأَرْضِ وَاصْبِرُوا عَلَى الْبَلَاءِ وَلَا تُحْرِكُوا بِأَيْدِيكُمْ وَسُيُوفِكُمْ فِي هَوَى أَلْسِنَتِكُمْ وَلَا تَسْتَعْجِلُوا بِمَا لَمْ يُعَجِّلْهُ اللَّهُ لَكُمْ فَإِنَّهُ مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى فِرَاشِهِ وَهُوَ عَلَى مَعْرِفَةِ حَقِّ رَبِّهِ وَحَقِّ رَسُولِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ مَاتَ شَهِيداً وَوَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَاسْتَوْجِبَ ثَوَابَ مَا نَوَى مِنْ صَالِحِ عَمَلِهِ وَقَامَتِ النَّبِيَّةُ مَقَامَ إِصْلَاتِهِ لِسَيْفِهِ فَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مُدَّةً وَأَجَلًا؛

ملازم زمین باشید (بر زمین بنشینید) و بر بلاء صبر کنید و در هوا و خواهش زبان خود با دست و شمشیر خود به حرکت نیائید و به آن چه، خدا از شما شتاب نخواسته، شتاب نکنید پس اگر کسی از شما در بستر خود بمیرد در حالی که حق پروردگار و حق رسول صلی الله علیه و آله و حق اهل بیت رسول علیهم السلام را بشناسد شهید مرده و اجرش بر خدا خواهد بود و استحقاق ثواب و پاداش نیت کار شایسته خود را دارد و نیت او مقام کشیدن شمشیر در راه خدا را دارد و همانا برای هر چیزی مدت و زمانی معین است.^۱ (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۰؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۱۵۱؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ج ۱۳، ۱۱۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۴۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۵، ۵۵)

۱. شهید سیدمصطفی خمینی در کتاب ولایت فقیه خود این روایت را مورد خدشه قرار می‌دهد و آن را جزء موارد کذبی می‌داند که به حضرت امیر علیه السلام نسبت داده شده است: «و غیر خفی آن من يعرف بلاغته و فصاحته، یطمئن بأنه من الأكاذیب المنسوبة إليه؛ لخلوها عن خصوصیات الخطب اللازمة رعایتها علی الخطیب، و سیظهر وجه تصدی الخائنین لجعل هذه المآثیر، بل ربما يجعلون و ینسبون إلى غیره کأبی بکر ما یشبه ذلك، أو إلى رسول الله فراجع الآثار و الأخبار». (موسوی خمینی، ۱۴۱۸: ۶۱؛ رحمان ستایش، ۱۴۲۵: ۷۵۹)

برخی نیز به روایات «امتلا» تمسک می‌جویند و بیان می‌دارند که ظهور زمانی محقق می‌شود که زمین پر از ظلم و جور گردد. مشهورترین تعبیر در زبان ائمه علیهم‌السلام درباره امتلا که در مجامع روایی فریقین از قول پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده عبارت است از روایت:

المهدی من ولدی، تكون له غيبة و حيرة تضلّ فيها الامم، يأتي بذخيرة الأنبياء عليهم‌السلام،
فيملأها عدلاً و قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً.^۱ (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۸۷؛ مجلسی،
۱۴۰۳: ج ۵۱، ۷۲؛ صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۲۳۳)

از آسیب‌های جدی مواجهه با این دسته از روایات پرهیز از بررسی سندی و مبانی صدور و مهم‌تر از همه مبانی دلالتی این دسته از روایات است. بر فرض صحت سندی روایات یادشده، قطعاً امامان معصوم آنها را در فضای خاصی بیان داشته و به اصطلاح دانش حدیث این روایات از مبانی صدور خاصی برخوردار هستند. علاوه بر آشنایی با جهت صدور باید زبان معنایی این روایات و به تعبیر دقیق دلالت این روایات تحلیل شوند تا در پرتو آن، نحوه ارتباط این فرمایشات با آیات و دیگر روایات صادر شده از معصومین مشخص گردند. ضمن این‌که زمینه تنزیل و تأویل آنها نیز مشخص گردد. متأسفانه جریان شریعت‌گرای سنتی به مبانی صدور و تحلیل دلالتی این دسته از روایات توجه ندارند. قصد این تحقیق نیز بررسی این دو امر نیست. ما صرفاً آسیب‌های پذیرش این دسته از روایات را از منظر این جریان بررسی خواهیم کرد.^۲

آسیب‌های مهم در اندیشه شریعت‌گرایان سنتی

اندیشه شریعت‌گرایان سنتی از منظرهای مختلف دچار آفات و آسیب‌هایی است. مجال پرداختن به چالش‌های پیش‌روی آنان به شکل کامل در این تحقیق میسر نیست. صرفاً به برخی از مواردی که با تمرکز بر روایات منع قیام در عصر غیبت مقابل آنان است اشاره‌ای می‌کنیم. در حقیقت این آسیب‌ها ناظر به مهدویت‌پژوهی اینان است.

۱. مشابه همین نقل با اندک تغییری در منابع روایی به این شکل آمده است: قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «المهدي من ولدي، تكون له غيبة، إذا ظهر يملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً». (قندوزی هندی، ۱۴۲۲: ج ۳، ۲۹۶)
۲. تا حدودی بررسی دلالتی و سندی و صدور این سنخ از روایات در کتاب «دادگستر جهان» از آقای ابراهیم امینی در صفحات ۲۹۶-۲۵۴، کتاب «مهدویت، حکومت دینی و دموکراسی» از آقای رحیم لطیفی؛ مقاله «بررسی ادله نفی قیام‌های پیش از ظهور» از آقای محمدرضا فوادیان؛ مقاله «بررسی و نقد مبانی روایی مخالفان انقلاب در تشکیل حکومت اسلامی در دوره غیبت» از آقای سید ضیاء‌الدین علیانسیب؛ مقاله «نقد و بررسی عدم مشروعیت حکومت دینی در عصر غیبت» از آقایان محمدمهدی باباپور گل افشانی و علی جعفرزاده آمده است.

عدم جامع‌نگری به دین

از آسیب‌های مهمی که جریان سنتی و شریعت‌گرایان سنتی با آن مواجه هستند، نگره حداقلی به دین است. به این معنا که دین را در عرصه مناسبات اجتماعی در عصر غیبت بی‌برنامه تلقی می‌کنند. در برابر، جریان عقلانیت تمدن‌ساز به حضور حداکثری دین در تمام امور فردی و اجتماعی و داشتن برنامه در این امور باور دارد. (بهروزلک، ۱۳۸۶: ۳۹)

شریعت‌گرایان سنتی تفسیر و برداشت نادرستی از احکام و تعالیم دینی دارد. در واقع تعالیم دینی را منحصر به مسائل مربوط به عبادات و رابطه فردی با خدا می‌داند. این تفسیر از دین با رسالت حقیقی دین که نمود تمدنی و فرهنگی دارد و نقش هدایتی برای کل بشریت را برای دین خاتم در نظر دارد، سازگار نیست. این جریان قادر نیست بین اصول و ثابتات و ضروریات امور با جنبه‌های متغیر و متحول آن تفکیک برقرار کند. (ذوعلم، ۱۳۸۲: ۱۳) به باور اینان اسلام در همان عقاید ارائه شده در کتاب و سنت محدود می‌شود و هیچ امر جدیدی در دین قابل پذیرش نیست. مبتنی بر همین نگاه، هیچ‌گاه به خود اجازه نمی‌دهند تا در امور ناشناخته و مسائل مستحدثه تأمل و تفکر کنند و بازاندیشی در این امور را نمی‌پذیرند. تصلب در اصول و عدم تفکر در مسائل جدید از شاخصه‌های فکری اینان به حساب می‌آید. (مهدی‌زادگان، ۱۳۸۰: ۳۵)

اما جریان عقلانیت تمدن‌ساز به جامعیت دین باور دارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: بخش‌های مختلف المیزان از جمله ج ۲، ۱۹۴؛ مطهری، ۱۳۸۷: ج ۲، ۶۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۰؛ ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۹) حضرت امام علیه السلام در کتاب *ولایت فقیه* به این نکته اذعان کرده و نگاه حداکثری خود به دین را بیان می‌دارند:

احکام شرع حاوی قوانین و مقررات متنوعی است که یک نظام کلی اجتماعی را می‌سازد. در این نظام حقوقی هر چه بشر نیاز دارد فراهم آمده است: از طرز معاشرت با همسایه و اولاد و عشیره و قوم و خویش و همشهری و امور خصوصی و زندگی زناشویی گرفته، تا مقررات مربوط به جنگ و صلح و مرادده با سایر ملل... (امام خمینی، ۱۳۹۱: ۲۹).

در فرمایش دیگری امام علیه السلام بیان می‌دارند اسلام برای همه بشریت است:

اسلام برای یک کشور، برای چند کشور، برای یک طایفه، حتی برای مسلمین نیست. اسلام برای بشر آمده است. خطاب‌های اسلام «یا ایها الناس» است. (همو، ۱۳۸۹: ج ۱۱، ۲۹۵)



شهید مطهری رحمته الله علیه نیز بر همین مشی استاد خود اسلام را مکتبی جامع می‌دانند:

اسلام... مکتبی است جامع و واقع‌گرا. در اسلام، به همه جوانب نیازهای انسانی، اعم از دنیایی یا آخرتی، جسمی یا روحی، عقلی و فکری یا احساسی و عاطفی، فرد یا اجتماعی توجه شده است. (مطهری، ۱۳۸۷: ۲، ۶۵)

نکته مهم در آسیب عدم جامع‌نگری دین از منظر جریان شریعت‌گرای سنتی آن است که اینان عنصر زمان و مکان و مسئله ثابت و متغیر را در حوزه احکام و مناسبات اجتماعی در نظر نمی‌گیرند و به همین خاطر در مسئله انتظار هم صرفاً به یاد و نام امام زمان عجل الله تعالی فرجه بودن و تکیه بر تشریف خدمت حضرت و یادکرد از خواب و رویاهای خود و دیگران نسبت به امام زمان تأکید دارند. مصلحت‌اندیشی نسبت به احکام دین امری است که این جریان نادیده می‌گیرد؛ اما جریان عقلانیت تمدن‌ساز آن را امری مهم در فهم دین و حل معضلات و مشکلات در زمان و مکان برای انسان‌ها می‌داند. (فتحعلی و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۶۴)

به بیان دیگر شاید بتوان گفت برخی از شریعت‌گرایان سنتی قائل به جامعیت دین هستند؛ به این معنا که تمام آن چه که برای انسان‌ها لازم است در متون دینی آمده و اهل بیت به آنها اشراف دارند و راه به دست آوردن آنها نیز مراجعه به روایات است (نصیری، ۱۳۸۱: ۱۱۹) و هیچ نقشی برای عقل قائل نمی‌شوند. یکی از اینان به این نکته به این صورت اشاره می‌کنند:

تمام مسائلی که آدمیان تا روز قیامت به آنها نیاز دارند، نزد اهل بیت علیهم السلام مخزون و مکتوب است و هیچ راهی جز مراجعه عموم مردم به اخبار و سماع از معصومین علیهم السلام وجود ندارد. (موسوی دهرسخی، ۱۳۷۰: ۳)

جریان عقلانیت تمدن‌ساز در عین حفظ تراث گذشته به تحول امور با آشنایی دوران معاصر معتقد است:

این‌جانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم. اجتهاد به همان سبک صحیح است، ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست، زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند، بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد. مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد. (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۱۳۸۹)

جریان شریعت‌گرایی سنتی با پذیرش اصل دین و کارآمدی آن، به جامعیت دین در عرصه نظر باور دارند؛ اما با توجه به نگاه‌شان در عصر غیبت عملاً از تعطیلی بسیاری از احکام دینی دفاع می‌کنند. اگرچه نمی‌توان اینان را با طیف سکولار و روشنفکر در بیان صریح و دفاع جدی از عدم جامعیت دین (بازرگان، ۱۳۷۷: ۳۷؛ سروش، ۱۳۷۶: ۲۵۷؛ سروش، ۱۳۷۷: ۳۷۲؛ شبستری، ۱۳۷۷: ۲۰-۱۸) دانست؛ اما در عمل پیامد دو دیدگاه یکی خواهد بود.

مخالفت با تشکیل حکومت در عصر غیبت

شریعت‌گرایان سنتی در مسئله تشکیل حکومت در عصر غیبت قائل به تقیه زمانیه هستند. به این معنا که چون امام معصوم که شأن اصلی حکومت متعلق به اوست در دسترس نیست، شیعیان نمی‌توانند خود رأساً تشکیل حکومت را دنبال نمایند. چون حکومت در دوران غیبت بدون اذن امام شکل می‌گیرد، هرکس حاکم بر مسلمین باشد، جائز خواهد بود. اینان با دسته‌بندی سه‌گانه از سلاطین، جملگی آنان را جائز تلقی می‌کنند. سلطان اسلامی یا شیعه است که با توجه به این که بدون اذن امام تشکیل حکومت داده جائز موافق است؛ یا از نظر مذهب سنی است که باز جائز خواهد بود اما از مدل جائز مخالف؛ و یا این که مسلمان نیست و کافر است که دیگر از دو مدل قبل بدتر خواهد بود و جائز کافر خواهد بود. (انصاری، ۱۳۶۸: ج ۲، ۷۶) در این باور هر حکومتی در عصر غیبت باطل بوده و از آن به حکومت جائز یاد می‌کنند.^۱ (محقق اردبیلی، ۱۴۱۴: ج ۱۲، ۱۱؛ نجفی، ۱۳۶۷: ج ۲۲، ۱۶۰-۱۵۵) بنابراین بهترین حالت در دوران غیبت تن به تقیه دادن است که از آن به تقیه زمانیه یاد می‌کنند. نپذیرفتن حکومت دینی در عصر غیبت همان باور به جدایی دین از سیاست است. اینان یا به صراحت از این جدایی سخن می‌گویند و یا نهایتاً با پذیرش حکومت در دوران غیبت، آن را متولی اجرای ساده احکام می‌دانند نه بیش از این. (سبحانی، ۱۳۸۶: ۲۳۸) انجمن حجتیه تبلور این جریان است که تا قبل از انقلاب به عدم تشکیل حکومت در عصر غیبت و بعد از انقلاب هم نهایتاً به سکوت تن دادند. (شیرودی، ۱۳۹۵: ۲۰۳) اینان در عصر غیبت نوعی ولایت برای فقها قائل می‌شوند، اما ولایتی که دخالتی در امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... ندارد. (اخگری، ۱۳۶۷: ۷۳) تشکیل حکومت در دوران غیبت به معنای قائل شدن اتمام رسالت برای امام زمان علیه السلام است.

۱. مرحوم محقق اردبیلی در کتاب مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان می‌نویسد: «والظاهر عدم الفرق فی ذلك بین کون الحاکم الجائر والسلطان الظالم مؤمناً وعدمه» (محقق اردبیلی، ۱۴۱۴: ج ۱۲، ۱۱).

(باقی، ۱۳۶۳: ۱۰۴)

غیر از انجمن حجتیه برخی دیگر از عالمان سنتی مانند یعسوب‌الدین جویباری، اگرچه به ظاهر مخالفتی با تشکیل حکومت ندارند؛ دغدغه اصلی خویش را بر مسئله حفظ شیعه و مخالفت صریح با مسئله وحدت شیعه و سنی می‌دانند.^۱ جویباری بیش از آنکه در پی تبیین ساختاری از دولت دینی باشد، در پی جامعه‌ای دینی به معنای شیعی است و بر عنصر تولی و تبری تأکید فراوان دارند. (فراستی، ۱۳۸۹: ۳۰۰) وی برپایی هفته وحدت بین شیعه و سنی را هفته نکبت در حکومت جمهوری اسلامی می‌داند. (همو: ۲۷۲)

در برابر این جریان عقلانیت تمدن‌گرا اصل تشکیل حکومت امر بدیهی عقلی دانسته (امام خمینی، ۱۳۹۱: ۹ و ۵۰) و ادله نقلی آن را نیز فراوان می‌داند. وقتی شرایط تشکیل حکومت برای شیعیان در عصر غیبت فراهم شد، باید به حکومت تن در دهند و اصل تشکیل آن غیر از بداهت عقلی، و جوب شرعی نیز پیدا می‌کند. این امر را در اندیشه حضرت امام خمینی علیه السلام به وضوح می‌توان دنبال کرد. (همو، ۱۴۰۱: ج ۱، ۴۴۳) البته متفکران شیعی قبل از امام نیز به این امر اذعان نموده اما شرایط تشکیل حکومت را برای خود میسر نمی‌دانسته‌اند. (نراقی، ۱۴۱۷: ۵۸۳-۵۲۹؛ نائینی، ۱۳۷۸: ۸۸-۱۵)

سؤال اساسی از طیف شریعت‌گرایان سنتی این است که آیا واقعاً در عصر غیبت باید احکام دین تعطیل شوند و تن به حکومت جائران و فاسقان داد؟ حضرت امام علیه السلام ضمن طرح پرسش‌های اساسی در باب فلسفه حکومت و وظیفه شیعیان در دوره غیبت بیان می‌دارند:

اکنون که شخص معینی از طرف خدای تبارک و تعالی برای احراز امر حکومت در دوره غیبت تعیین نشده است، تکلیف چیست؟ آیا باید اسلام را رها کنید؟ دیگر اسلام نمی‌خواهیم؟ اسلام فقط برای دویست سال بود؟ یا این که اسلام تکلیف را معین کرده است، ولی تکلیف حکومتی نداریم؟ معنای نداشتن حکومت این است که تمام حدود و ثغور مسلمین از دست برود؛ و ما با بی‌حالی دست روی دست بگذاریم که هر کاری می‌خواهند بکنند. و ما اگر کارهای آنها را امضا نکنیم، رد نمی‌کنیم. آیا باید این طور باشد؟ یا این که حکومت لازم است؛ و اگر خدا شخص معینی را برای حکومت در دوره غیبت تعیین نکرده است، لکن آن خاصیت حکومتی را که از صدر اسلام تا زمان حضرت صاحب علیه السلام موجود بود، برای بعد از غیبت هم قرار داده است. این خاصیت که عبارت از علم به قانون و عدالت باشد، در عده بی‌شماری از فقهای عصر ما موجود

۱. طیف شیرازی‌ها (وفاداران به سید صادق شیرازی) نیز دقیقاً این گونه می‌اندیشند.

است. اگر با هم اجتماع کنند، می‌توانند حکومت عدل عمومی در عالم تشکیل دهند.
(امام خمینی، ۱۳۹۱: ۵۰)

این نکته را حضرت امام علیه السلام نه بعد از انقلاب که حکومت اسلامی شکل گرفت، بلکه قبل از انقلاب در دروس فقهی خود به صراحت مطرح می‌کردند. ایشان در ذیل یکی از مباحث خود بیان می‌دارند ممکن است غیبت حضرت هزاران سال به طول انجامد، آیا برای این مدت طولانی می‌توان ضرورت تشکیل حکومت اسلامی را نادیده گرفت؟ «فما هو دلیل الإمامة، بعینه دلیل علی لزوم الحكومة بعد غيبة ولی الأمر علیه السلام، و لا سیما مع هذه السنین المتتادیه، و لعلها تطول و العیاذ بالله إلى آلاف من السنین، و العلم عنده تعالی. فهل یعقل من حکمة الباری الحکیم إهمال الأمة الإسلامیة، و عدم تعیین تکلیف لهم، أو یرضی الحکیم بالهرج و المرج و اختلال النظام. (همو، ۱۴۲۱: ج ۲، ۶۱۹)

تأکید بر روایات منع قیام

عمده تمرکز شریعت‌گرایان سنتی بر آن دسته از روایاتی است که هرگونه قیامی را برای شیعیان در عصر غیبت ممنوع کرده‌اند. به سنخ روایاتی مورد نظر اینان است در سطور قبل اشاره کردیم. در این جا به نقد این دیدگاه و تمرکز بر این روایات از منظر جریان عقلانیت تمدن ساز اشاره می‌کنیم.

امام خمینی علیه السلام ضمن نقد این جریان و تمرکز بر ظواهر این روایات بیان می‌دارند:

ممکن است هزاران روایت را نشر بدهند که از عمال ظلمه و آخوندهای درباری در تعریف سلاطین جعل شده است. به طوری که ملاحظه می‌کنید، با دو روایت ضعیف چه بساطی راه انداخته‌اند، و آن را در مقابل قرآن قرار داده‌اند، قرآنی که جدیت دارد بر ضد سلاطین قیام کنید و موسی را به قیام علیه سلاطین وامی‌دارد. علاوه بر قرآن مجید، روایات بسیاری در مبارزه با ستمگران و کسانی که در دین تصرف می‌کنند وارد شده است. (همو، ۱۳۹۱: ۶۵-۶۴)

تمرکز اصلی جریان شریعت‌گرای سنتی بر روایت معروف به علم طاغوت است که هر پرچم و علمی که در عصر غیبت برافراشته شود، علم طاغوت خواهد بود. حضرت امام علیه السلام ضمن نقد جدی این جریان و عدم ارائه این دسته از روایات بر قرآن بیان می‌دارند:

اینهایی که می‌گویند که هر علمی بلند بشود و هر حکومتی، خیال کردند که هر حکومتی باشد این برخلاف انتظار فرج است. اینها نمی‌فهمند چی دارند می‌گویند.

اینها تزریق کرده‌اند بهشان که این حرف‌ها را بزنند. نمی‌دانند دارند چی چی می‌گویند. حکومت نبودن، یعنی این‌که همه مردم به جان هم بریزند، بکشند هم را، بزنند هم را، از بین ببرند، بر خلاف نص آیات الهی رفتار نکنند. ما اگر فرض می‌کردیم دویست تا روایت هم در این باب داشتند، همه را به دیوار می‌زدیم؛ برای این‌که خلاف آیات قرآن است. اگر هر روایتی بیاید که نهی از منکر را بگوید نباید کرد، این را باید به دیوار زد. این‌گونه روایت قابل عمل نیست. (همو، ۱۳۸۹: ج ۲۱، ۱۶)

در مقابل این دسته از روایات، جدای از تحلیل سندی و دلالتی و بحث مبانی صدور آنها، روایات مقابل نیز وجود دارند که دعوت از شیعیان برای زمینه‌سازی ظهور در آنها مطرح می‌شود. به عنوان نمونه در مجامع روایی فریقین روایتی آمده که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤَيِّدُونَ لِمَهْدِيٍّ يَعْنِي سُلْطَانَهُ؛

جماعتی از مشرق زمین بیا می‌خیزند و زمینه‌ساز حکومت حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام می‌شوند. (ابن ماجه، بی‌تا: ج ۲، ۱۳۶۸؛ طبرانی، ۱۴۱۵: ج ۱، ۹۴؛ سیوطی، ۱۴۱۴: ج ۲، ۶۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۸۷؛ هندی، ۱۴۰۱: ج ۱۴، ۲۶۳) مرحوم اربلی این روایت را از نظر سندی حسن و صحیح، و طبقه راویان آن را ثقه می‌داند. (اربلی، ۱۳۸۸: ج ۲، ۴۷۷)

انفعال در برابر مدرنیسم و تمدن غرب

منتظران ظهور در دوره جدید باید موضع خود را در برابر غرب مشخص نمایند. غرب جدید از بدو رنسانس ماهیت امانیستی خود را در برابر دوره الهیاتی قرون وسطی نشان داد. اگرچه نوع نگاه روحانیت کلیسا در دوره میانه غرب، از مشکلات و چالش‌های جدی برخوردار است، و به‌گونه‌ای جریان رفورمیسم و رنسانس، واکنش طبیعی متفکران غربی در برابر آن بوده، اما انتخاب موضعی سکولار و درنهایت ضددینی امر صوابی نبوده است. این امر به خصوص از عصر روشنگری با محوریت اندیشه‌های الحادی، مواضع ضد دینی خود را به صراحت اعلام کرده و اوج انسان‌مداری و جایگزینی انسان به جای خدا و مسئله جهانی‌سازی در آغاز هزاره سوم میلادی، مقابله متفکران اسلامی را در قبال آنان می‌طلبید. اما متأسفانه جز محدود متفکرانی که داعیه دفاع از دین و کارآمدی از آن را داشته در مقابل غرب و تمدن غرب موضع نگرفتند. جریان عقلانیت تمدن‌ساز هم در برابر غرب پرسش‌هایی اساسی قرار داد و هم به نقد آن پرداخت. (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۴: ج ۳، ۱۱) اما جریان شریعت‌گرایی سنتی در برابر غرب و فرهنگ جهانی‌سازی این تمدن، حتی موضع حداقلی نفی نیز نگرفته و از انقلاب اسلامی که

احیای دین و بازگشت به معنویت را در دوره جدید در برابر جریان ضددینی غرب مطرح کرد، هیچ دفاعی صورت ندادند. با این که خود متفکران غربی اذعان می‌کنند که امام خمینی علیه السلام با انقلاب خویش معنویت را به عرصه سیاست بازگرداند و انسان معاصر را مجدداً به سمت و سوی دین کشاند. (فوکو، ۱۳۷۷: ۴۰)

جریان شریعت‌گرایی سنتی در برابر مدرنیسم کاملاً منفعل بوده و حتی به صراحت از حفظ میراث گذشته و عدم تحول در آن سخن می‌گوید. به تعبیر یکی از محققان:

این جریان نسبت به پدیده مدرنیته، پرسش‌ها و دغدغه‌های آن، بی‌تفاوت می‌باشد؛ هرچند از برخی دستاوردهای مدرنیته همچون تکنولوژی بهره می‌برد. این دسته از روحانیت، با وجود نظارت حداقلی نسبت به نظام سیاسی ایران، تنها دغدغه مسائل سنتی را داشته و به حوادث دنیای مدرن و شبهات جدید فلسفی، کلامی، فقهی و حقوقی اعتنایی ندارد و تئوری معینی نیز در مرحله مسائل اجتماعی سیاسی جهان اسلام ارائه نمی‌دهد و بیشتر به استقلال حوزه‌های علمیه می‌اندیشد. (خسروپناه، ۱۳۸۹: ۵۳)

در مجموع جریان یادشده در ارتباط با پدیده مدرنیسم عملکرد قابل قبولی نداشته و عمدتاً در برابر این پدیده موضع سکوت، انفعال و تکیه صرف بر تراث گذشته را اتخاذ کرده است. نهایت برخوردی که از برخی طرف‌داران این جریان در برابر غرب مشاهده می‌شود آن است که غرب را یکسره باطل دانسته و تنها راه نجات فرهنگ کشور و مسائل آن بازگشت به سنت گذشته و مذهب می‌دانند. (جهانبگلو، ۱۳۸۱، ۲۲۸-۲۲۷) اما جریان عقلانیت تمدن‌ساز با تأکید بر میراث گذشته و استفاده صحیح از نصوص دینی از غرب و مدرنیته آگاهی لازم را داشته و با نقد مبانی آن به دنیای مدرن توجه می‌کند و جنبه‌های مثبت آن را اخذ و از جنبه‌های منفی آن فاصله می‌گیرد. (همو: ۵۵) حضرت امام در همان آغاز شکل‌گیری حکومت جمهوری اسلامی به مسئله مدرنیسم و غرب اشاره می‌کنند و آسیب‌ها و آفات تمدن غرب را به همگان گوشزد می‌نمایند. وی در پاریس در مصاحبه با تلویزیون تایمز بیان می‌دارد که غربزدگی آفت بزرگی برای کشور ایران است:

از مردم می‌خواهیم تا بر پایه‌های اسلامی خویش تکیه زنند و بر غرب و غربزدگان که موجب نابودی فرهنگ آنان شده است پشت پا زنند. (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۵ج، ۱۳۳)

امام با تفکیک میان غرب استکباری و سیاسی از غرب علمی، با غرب استکباری به شدت

مخالفت ورزیده و در مقابل غرب علمی را جهت استفاده مناسب می‌دانند. ایشان تأکید می‌کنند که اسلام مخالفتی با علم و تکنولوژی ندارد. «اگر مراد از مظاهر تمدن و نوآورها، اختراعات و ابتکارات و صنعت‌های پیشرفته است که در پیشرفت و تمدن بشر دخالت دارد، هیچ‌گاه اسلام و هیچ مذهب توحیدی با آن مخالفت نکرده و نخواهد کرد بلکه علم و صنعت مورد تأکید اسلام و قرآن مجید است. (همو: ج ۲۱، ۴۰۶)

عدم آینده‌نگری

مراد از عدم آینده‌نگری در میان این جریان یعنی: نداشتن فکر منظم که شامل بر نگاه به زمان حاضر، برای رسیدن به آینده‌ای روشن با پیش‌بینی کنترل‌شده و برنامه‌ریزی شده باشد. (پیرو، ۱۳۷۰: ۳۰۹) در واقع در آینده‌نگری، برنامه‌ریز باید قابلیت‌ها و امکانات را در نظر بگیرد و تصویر روشنی از پدیده‌ها به شکل کمی و کیفی، در آینده دور و نزدیک دارد. (پولاددژ، ۱۳۶۷: ۱۳) جریان شریعت‌گرای سنتی با برداشت ناصواب از مفهوم سنت، برنامه‌ای برای آینده ندارد. همین امر سبب شده تا صرفاً در زمان حال زندگی کنند و به فردیت خود بیندیشند و برای جامعه و آینده آن برنامه‌ای در نظر نداشته باشند. عدم توجه به مسائل مستحدثه یا نداشتن پاسخ نادرست از مقوله مهدویت، نوعی ناکارآمدی در باورشان به این اعتقاد شکل می‌گیرد. نوع انتظاری که در اندیشه آنان وجود دارد، انتظاری منفعل و بی‌تحرک و خمود است. اینان بازگشت به میراث گذشته را به معنای زندگی به سبک عصر معصوم دانسته و هرگونه تحولی را در این زمینه رد می‌کنند و به ردع و دفع نظرات ناظر به مسائل جدید می‌پردازند. (فراستی، ۱۳۸۹: ۲۷۵؛ سبحانی، ۱۳۸۵: ۲۸۸) اینان برای اجرایی کردن بسیاری از دستورات دینی در عصر غیبت برنامه‌ای ندارند. ضمن این که در مسائل جدید پاسخگوی متدینان نخواهند بود. عدم توجه به عنصر زمان و مکان و تغییرات اجتماعی سبب شده اینان به نوعی سکولاریسم عملی روی آورده و از این منظر شباهت به جریان روشنفکری دینی پیدا کنند. (سبحانی، ۱۳۸۵: ۲۸۸)

حضرت امام علیه السلام با رد این دیدگاه و عدم توجه این جریان به عنصر زمان و مکان و احکام متغیر آن را آسیب جدی برای جهان اسلام و مسلمین می‌دانند. ایشان بازگشت به سنت را به معنای صحیح حفظ ارزش‌های معنوی و عدالت می‌دانند و باقی امور را ناظر به مسئله زمان و مکان. (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱۱، ۱)

جریان شریعت‌گرای سنتی با صرف باور به مسئله امامت و مهدویت نقشه راهی برای حال حاضر و آینده در نظر ندارد. آنان با پذیرش دین حداقلی فقط به وظایف فردی خود عمل می‌کنند و برای جامعه و آینده برنامه‌ای ارائه نمی‌دهند. اما در مقابل جریان عقلانیت تمدن‌ساز همه چیز را در راستای زمینه‌سازی ظهور و برنامه‌ریزی برای تحقق وعده الهی به بشریت در آخرالزمان می‌بینند. حضرت امام در وصیت برای حفظ جمهوری اسلامی بیان می‌دارند:

به جمهوری اسلامی، که ثمره خون پدران تان است، تا پای جان وفادار بمانید؛ و با آمادگی خود و صدور انقلاب و ابلاغ پیام خون شهیدان، زمینه را برای قیام منجی عالم و خاتم الاوصیا و الاولیا، حضرت بقیة الله ﷺ فراهم سازید. (همو: ج ۲۰، ۳۸)

جریان عقلانیت تمدن‌ساز در پرتو شبکه باور خود در عرصه مهدویت امید به آینده روشن دارد و این روشنی را در بستر آماده‌سازی تمام شرایط و امور فراهم می‌آورد. بنابراین این امید پویا و زنده و فعال است. این امید انتظاری درخشان را به ارمغان می‌آورد و سبب می‌گردد تا امید اجتماعی نیز در جامعه شکل بگیرد و در راستای آینده‌نگری مردم و حکام، آسایش و سعادت و خوشبختی و برقراری عدل در جامعه شکل گیرد. (صدر، ۱۳۸۱: ۲۱) این جریان به انتظار فعال باور دارد. انتظاری که فرد منتظر در عرصه‌های علمی و عملی خود را آماده یاری حضرت ساخته و مرزبان حقیقی دین در عصر غیبت می‌سازد. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۸۱) در برابر جریان شریعت‌گرای سنتی اگرچه به آینده روشن باور دارد، اما این امید و روشنی صرفاً در حوزه ذهن اوست و تأثیری در حوزه عمل و زندگی فردی و اجتماعی او ندارد. بنابراین می‌توان این امید را منفعل و غیرفعال دانست و در واقع به تعبیر اریک فروم باید این مدل از امید را نوعی یأس دانست. چراکه امید انفعالی خود مدلی از ناامیدی است. (فروم، ۱۳۸۰: ۱۹) این جریان اندیشه‌ای برای بسترسازی ظهور ندارد. در صورتی انتظار فعال و حقیقی آدمی را به تلاش و فعالیت وامی‌دارد. (مطهری، ۱۳۸۷: ج ۲۴، ۴۰۶) به تعبیر یکی از محققان ظهور حضرت مهدی ﷺ با زنجیره‌ای از سنت‌های الهی در جامعه و تاریخ ارتباط دارد و این سنت‌ها جز با فعالیت و حرکت تحقق نمی‌یابد. (اصفی، ۱۳۸۳: ۶۱)

امام خمینی ﷺ زمینه‌سازی برای ظهور را با تشکیل حکومت و اجرای قوانین الهی و برنامه‌ریزی مناسب بالاترین امر در تحقق انتظار فرج می‌دانند:

همه ما انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه شود. (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۸، ۳۷۴)

یا در فرمایش دیگری در تبیین صحیح از انتظار فرج می‌فرمایند:

همه انتظار داریم وجود مبارک ایشان را، لکن با انتظار تنها نمی‌شود، بلکه با وضعی که بسیاری دارند، انتظار نیست. ما باید ملاحظه وظیفه فعلی شرعی - الهی خودمان را بکنیم و باکی از هیچ امری از امور نداشته باشیم.» (همو: ج ۱۹، ۲۴۶)

از آن جا که انتظار صرف باور ذهنی نیست و به عمل و کنش منجر می‌گردد، باید در مقام رفتار عینیت حقیقی یافته و باور ذهنی تجلی خارجی در حوزه نمود و رفتار بیابد. (خلجی، ۱۳۸۴: ۱۳۹) هر انسان عاقلی می‌داند که ایجاد حکومت جهانی مانند حکومت مهدوی نیاز به آمادگی‌های فراوانی دارد. تا آمادگی فکری و فرهنگی، اجتماعی، تکنولوژی و ارتباطی، و آمادگی فردی نباشد، حضرت چگونه می‌تواند حکومت بزرگ خود را در ابعاد جهانی محقق سازد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۸۴-۸۰) شهید صدر از نمایندگان جریان عقلانیت تمدن ساز در عرصه مهدویت، در خصوص زمینه‌سازی و ایجاد تغییر و تحول قبل از قیام حضرت صاحب‌الزمان و برنامه‌ریزی برای آینده بر این باورند که:

همه می‌دانند که حضرت مهدی علیه السلام کارش محدود به یک منطقه و یک بخش از جهان نیست و بایستی همه بشر را از تاریکی ستم به روشنایی عدل، رهنمون گردد. برای اجرای چنین تحول بزرگی تنها وجود رهبر صالح کافی نیست، وگرنه در همان زمان پیامبر صلی الله علیه و آله این شرط وجود داشت. پس این تحول بزرگ، فضای مناسب جهانی می‌طلبد که در همه زمینه‌های خارجی لازم برای انقلاب عمومی در آن وجود داشته باشد. (صدر، ۱۳۸۲: ۱۰۸)

این امر در روایات ائمه علیهم السلام نیز آمده است که در عصر غیبت هرگونه تلاش برای زمینه‌سازی ظهور با برنامه‌ریزی و آینده‌نگری بهترین گام برای قیام حضرت خواهد بود. امام صادق علیه السلام در روایتی به شیعیان می‌فرمایند:

لِيُعِدَّنَ أَحَدُكُمْ لِحُرُوجِ الْقَائِمِ وَلَوْ سَهْمًا فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نَيْتِهِ رَجَوْتُ لِأَنْ يُسَيِّئَ فِي عُمْرِهِ حَتَّى يُدْرِكَهُ وَيَكُونَ مِنْ أَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ؛

هریک از شما باید برای خروج قائم سلاخی آماده نماید، اگرچه یک ترر باشد. همانا خداوند هرگاه بداند کسی چنین نیتی دارد، امید آن است که عمرش را طولانی کند تا آن حضرت را درک نماید. (ابن ابی‌زینب، ۱۳۹۷: ۳۲۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۶۶)

محافظه‌کاری در برابر جریان‌های مخالف دین

جریان شریعت‌گرای سنتی مسئله ظهور و انقلاب جهانی حضرت را با ماهیت انفجاری

می پذیرد. به این معنا که هرگاه اصلاح به نقطه صفر رسید، انفجار ظهور رخ می دهد و خداوند منجی بشریت را برای نجات و اصلاح او به انسان ها عرضه می کند. (مطهری، ۱۳۸۷: ج ۴۳۶، ۲۴) این جریان هرگونه تلاش برای اصلاح جامعه را با ماهیت مسئله مهدویت ناسازگار دانسته و هرگونه فساد و ظلمی را در جامعه رخ دهد زمینه ساز ظهور دانسته و در واقع کمک به روایت که بیان می دارند هرگاه زمین پر از ظلم و ستم و فساد شود، ظهور محقق خواهد شد. در برابر جریان عقلانیت تمدن ساز به اختیاری بودن ظهور باور دارد. در این دیدگاه اختیار و اراده انسان، تعیین کننده و تعجیل یا تأخیرکننده زمان ظهور است. برای ظهور باید زمینه سازی کرد و با ارائه برنامه ای منسجم و دقیق در راستای قیام نهایی حضرت گام برداشت. (نودهی، ۱۳۸۶: ۶۹) انجمن حجتیه قبل از انقلاب نمونه بارز این جریان است. در اساس نامه این انجمن آمده است:

انجمن به هیچ وجه در امور سیاسی مداخله نخواهد داشت و نیز مسئولیت هر نوع دخالتی را که در زمینه های سیاسی از طرف افراد انجمن صورت گیرد برعهده نخواهد داشت. (اخگری، ۱۳۶۷: ۲۵)

جریان شریعت گرای سنتی در مواجهه با امور ضد دینی یا سکوت می کند و یا حتی گاهی راضی به ازدیاد فساد و بی دینی نیز می شود. «اگر مخالف ظاهری با فساد هم هستی ولی در باطن به ترویج ظلم و فساد برای تسریع ظهور باید رضایت داشت». (همو: ۳۹)

نمی توان در عصر غیبت در برابر جریان های مخالف دین سکوت کرد و به نام تقیه کمر به هدم و حذف دین بست. با محافظه کاری در قبال جریان های موجود مخالف دین در واقع گام برای حذف دین برداشته می شود. اگر امام خمینی در مقابل جریان دین ستیزی دولت پهلوی قیام نمی کرد و اگر در برابر غرب مدرن که عصر جدید را به سمت بی دینی و حذف یاد و نام خدا پیش می برد، مقابله نمی کرد، دیگر امروزه مجالی برای یاد و نام ظهور نبود تا به بررسی دو جریان شریعت گرای سنتی و عقلانیت تمدن ساز بپردازیم. اگر در روایات می خوانیم:

انما هلك الناس من استعجالهم هذا الامر، ان الله لا يعجل لعجله العباد، ان لهذا الامر غاية ينتهي اليها، فلو قد بلغوها لم يستقدموا ساعه و لم يستأخروا. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۶۹؛ ابن ابی زینب، ۱۳۹۷: ۲۹۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۱۸)

در خود روایت زمینه شکل گیری امر ظهور را مشروط به قید «بلغوا» کردند. یعنی زمینه حقیقی را برای ظهور فراهم آوردن؛ و این امر غیر از بلوغ اجتماعی بشر نخواهد بود. این بلوغ با

حاکمیت بخشی به دین و مولفه‌های دینی و مقابله با جریان‌های ضد دینی میسر خواهد شد. نگاهی که در عرصه ظهور قائل به انفجار ظهور است، با ادله محکم عقلی و نقلی سازگار نیست. هرگونه تغییر و تحولی در حوزه فرد و اجتماع مبتنی بر اراده و اختیار انسانی است. قرآن به صراحت این امر را بیان می‌دارد. (انفال: ۵۳؛ رعد: ۱۱) بنابراین در عرصه مهدویت نیز، ظهور حضرت به اراده انسانی باز می‌گردد. به تعبیر شهید صدر:

سازنده حرکت تاریخ، محتوای باطنی انسان یعنی فکر و اراده اوست و ساختمان جامعه در سطح روبنا با همه پیوندها، سازمان‌ها، اندیشه‌ها و خصوصیاتش روی زیربنای محتوای باطنی انسان قرار دارد و هرگونه تغییر و تکاملی نسبت به روبنای آن، تابع تغییر و تکامل این زیربناست و با تغییر آن، روبنای جامعه تغییر می‌کند. (صدر، ۱۳۸۱: ۱۴۶)

امامان معصوم علیهم‌السلام ضمن وعده دادن شیعیان برای ظهور و دعای برای تعجیل در ظهور، به آنان آموختند که در عصر غیبت هم استعجال در این امر نداشته باشند و نفس‌های‌شان را در سینه حبس کنند تا ظهور محقق شود (کنایه از این که استعجال در ظهور نداشته باشند) و هم این که به احیای امر آنان بپردازند. امام باقر علیه‌السلام در روایتی به همین امر اشاره می‌کنند:

قال: قلت له اصلحك الله والله قد تركنا اسواقنا انتظارا لهذا الامر حتى اوشك الرجل منا يسال في يده فقال عليه‌السلام يا عبد الحميد اتری من حبس نفسه على الله لا يجعل الله له مخرجا بلى والله ليجعلن الله له مخرجا رحم الله عبدا حبس نفسه علينا، رحم الله عبد احي امرنا. (برقی، ۱۳۷۱: ج ۱، ۱۷۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۲۶، ۵۲)

آیا مراد امام از احیای امر غیر از تشکیل حکومت و مقابله با دین‌ستیزی و جریان‌های مخالف با دین است؟ یا در روایت دیگری امام سجاد علیه‌السلام در اوصاف منتظران حضرت در عصر غیبت بیان می‌دارند:

اینان مانند کسانی هستند که در نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با شمشیر جهاد کرده‌اند. آنان به درستی مخلصند و شیعیان واقعی ما و دعوت‌کنندگان به دین خدا در پنهان و آشکار هستند.^۱ (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱، ۳۲۰)

۱. «يَا أَيُّهَا خَالِدُ إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَالْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَغْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ تَبَيَّنَ يَدَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بِالسَّيْفِ أَوْلِيَاكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَشِيعَتُنَا صِدْقًا وَالدَّعَاءُ إِلَى دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سِرًّا وَجَهْرًا وَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام أَنْتَظَرُ الْفَرَجَ مِنْ أَكْثَرِ الْفُرُجِ».

آقا نورالله اصفهانی از عالمان مبارزه سده گذشته ضمن هشدار به این آسیب و خطر در بین شیعیان مبتنی بر باور به مسئله مهدویت، سکوت در برابر مفسد و تن به ظلم و فساد دادن را برداشت ضعیف و دور از روح فلسفه سیاسی شیعه می دانند. (نجفی، ۱۳۶۹: ۱۲۶)

حضرت امام علیه السلام به عنوان نماینده جریان عقلانیت تمدن ساز ضمن دسته بندی و سنخ شناسی جریان شریعت گرای سنتی در مسئله مهدویت و محافظه کاری دسته ای از آنها بیان می دارند:

بعضی ها انتظار فرج را به این می دانند که در مسجد، در حسینیه و در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان علیه السلام را از خدا بخواهند... یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می گفتند این است که ما کار نداشته باشیم به این که در جهان چه می گذرد، بر ملت ها چه می گذرد، بر ملت ما چه می گذرد، به این چیزها کار نداشته باشیم، ما تکلیف های خودمان را عمل می کنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند ان شاء الله درست می کنند... یک دسته ای می گفتند که خوب! باید عالم پر از معصیت بشود تا حضرت بیاید، ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می خواهند بکنند، گناهان زیاد بشود که فرج نزدیک بشود... یک دسته ای از این بالاتر بودند و می گفتند باید دامن زد به گناهان، دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پر از ظلم و جور شود و حضرت علیه السلام تشریف بیاورند... یک دسته دیگر بودند که می گفتند هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و برخلاف اسلام است. (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۲۱، ۱۳)

ایشان در سخن دیگری به صراحت از اندیشه محافظه کاری شریعت گرایان سنتی در برابر فساد اشاره می کنند:

[اینان] تزشان این است که بگذارید که معصیت زیاد بشود تا حضرت صاحب بیاید. حضرت صاحب علیه السلام مگر برای چی می آید؟ حضرت صاحب می آید معصیت را بردارد، ما معصیت کنیم که او بیاید؟ این اعوجاجات را بردارید... (همو: ج ۱۷، ۵۳۴).

تحلیل نهایی

باورهای اعتقادی به خصوص در عرصه مهدویت با آسیب هایی در طول تاریخ و برای گروه های فکری متعدد مواجه بوده است. برای پیشگیری و جلوگیری از آفات و آسیب ها، آشنایی با اصل چالش ها ضروری است و در ادامه راه های درمان آنها. با مراجعه به نوع نگرش شیعیان در مسئله غیبت و عصر انتظار، دو جریان قابل ملاحظه است. براساس الگوی ارائه

شده در کتاب‌های جریان‌شناسی فکری و فرهنگی و سیاسی، از آنها به شریعت‌گرایان سنتی و عقلانیت تمدن‌ساز یاد کردیم. جریان اول به مسئله انتظار و غیبت با مدل‌های گوناگون و اندیشه‌های مختلفی که بین‌شان دیده می‌شود، گونه‌ای از جبرگرایی را به ذهن تداعی می‌کند. اگرچه با اصلاح دیالکتیک تاریخی در آثار خود سخن نگفته‌اند، اما فحوای کلام‌شان درباره مواجهه با مسئله انتظار، نوعی جبر تاریخی و دیالکتیک تاریخی را به نظر می‌آورد. (مطهری، ۱۳۸۷: ج ۲۴، ۴۱۳) اینان تقیه در زمان غیبت را در هر حالتی واجب دانسته و ضرورت آن را تا برطرف نشدن غیبت و ظاهر نشدن امام علیه السلام واجب و لازم می‌دانند. (ابن بابویه، ۱۴۱۴: ۱۰۸؛ همو، ۱۴۱۸: ۵۳؛ نجفی، ۱۳۶۷: ج ۲۲، ۱۹۵) اشاره کردیم از این تقیه به تقیه زمانی یاد می‌شود؛ اما در مقابل جریان عقلانیت تمدن‌ساز تقیه را صرفاً موردی دانسته و با توجه شرایط خاصی آن را لازم می‌داند، اما در اموری مانند حفظ دین و تشکیل حکومت آن را غیر ضروری و حتی حرام می‌دانند. (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱، ۱۷۸)

مهم‌ترین آسیب جریان شریعت‌گرای سنتی، سطحی‌نگری در ابعاد مختلف مسئله مهدویت است. یکی از آنها تحلیل روایات دال بر آمدگی پیش از ظهور است. انبوه روایاتی که دلالت بر مهیا بودن شیعیان قبل از ظهور دارند، از منظر این جریان تحلیل نادرستی می‌شوند. نکته مهم دیگر نادیده انگاشتن نقش انسان‌ها در مسئله ظهور است. البته به گونه‌ای برای انسان‌ها نقش قائل می‌شوند، اما نقش منفی و منفعل. حال آن‌که عامل اصلی غیبت خود انسان‌ها هستند (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۲۵)^۱ و عامل ظهور نیز خود انسان‌ها خواهند بود. به تعبیر شهید مطهری «وظیفه مردم است مبارزه با موانع برای تسریع ظهور عدل مطلق. به عبارت دیگر تا مردم کمال جو و عدل مطلق طلب نباشند، آن هم طلبی صادق و توأم با تلاش، به آن هدف عالی ماورایی نمی‌رسند». (مطهری، ۱۳۸۵: ج ۳۸۱، ۹)

سطحی‌نگری جریان شریعت‌گرای سنتی به مسئله مهدویت نوعی فراموشی و نادیده انگاشتن ابعاد و رهیافت‌های مختلف به آموزه مهدویت مانند رویکردهای فقهاتی، کلامی و فلسفی، تمدنی و تاریخی و فرهنگی، رسانه‌ای، عرفانی، تربیتی در ابعاد مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی، و مهم‌تر از همه رویکرد راهبردی و آینده‌نگرانه است. در مقابل جریان عقلانیت تمدن‌ساز به این ابعاد و رویکردهای مختلف توجه جدی دارد.

سطحی‌نگری در حوزه معرفت‌شناسی علاوه بر عدم دخالت عقل و یا استفاده حداقلی از عقل

۱. تعبیر خواجه طوسی در تجرید این است: وجوده لطف و تصرفه لطف آخر و عدمه منا.

در مباحث اعتقادی، این جریان را با مشکل دیگری نیز مواجه می‌سازد و آن افراط در مسئله محبت و یا غلو در باور به مسئله امامت است. مرحوم حلبی درباره محبت به امام علیه السلام بر این باور است که:

اقرب الطرق و نزدیک‌ترین راه برای رسیدن به درگاه شاه عالم امکان، محبت به آن بزرگوار است. (باقی اصفهانی، ۱۳۷۹: ۲۵۹)

به نوعی این جریان همه دین را خلاصه در محبت به امام کرده و امور دیگر و حتی لوازم این محبت را نادیده می‌انگارد. (باقی، ۱۳۶۳: ۱۲۷) در واقع تأکید بر محبت صرف، کارکرد اجتماعی و فرهنگی و تمدنی مهدویت را صرفاً به کارکرد فردی تقلیل داده و در نهایت برای خود فرد در ارتباط با امام نوعی رابطه برقرار می‌کند. امام خمینی علیه السلام در واکنش به این افراد می‌فرماید:

آنها برای اصل اسلام نقشه می‌کشند، ما حالا بنشینیم بگوییم که ما اهل ولایت هستیم! اگر شما اهل ولایت هستید، چرا الان کشور ولایت در معرض خطر است و نشستید؟ (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۲۰، ۲۴)

از لوازم سطحی نگری جریان یادشده در عرصه مسائل ناظر به مهدویت، جمود در روایات و حمل آن به ظاهر و عدم تطبیق با محکومات قرآنی و روایی است. مسئله فهم حدیث از مسائل مهم در علوم حدیث بوده و بدون توجه به آن نمی‌توان به برداشت درست از روایات دست یافت. روایات مانند آیات قرآن دارای اصول و روش خاصی برای فهم هستند. بدون توجه به آنها نمی‌توان به شکل دقیق و درست به فهم مراد صادرکننده روایت دست یافت. استاد مطهری مظهر جمود در فهم روایات را اخباریون معرفی می‌کند. (مطهری، ۱۳۸۷: ج ۱۰۷، ۲۱) گرایش اخباری امروزه هم در برخی از عالمان وجود دارد. عدم دخالت عقل در فهم روایات متأثر از همان نگاه است. به باور اینان عقل نمی‌تواند منبعی برای کشف احکام قرار گیرد و باید بر اساس همان روایات تبیین و هویت یابد. (فرازی، ۱۳۸۹: ۲۷۵) حضرت امام خمینی با توجه به همین نکته و دوری از تحجر و جمود در روایات در پاسخ به نامه یکی از شاگردان^۱ خویش این‌گونه مسئله فهم روایات را مطرح می‌کنند:

این‌جانب، لازم است از برداشت جناب عالی از اخبار و احکام الهی اظهار تأسف کنم. بنابر نوشته جناب عالی، زکات، تنها برای مصارف فقرا و سایر اموری است که ذکرش

۱. حجت‌الاسلام آقای محمدحسن قدیری.

رفته است و اکنون که مصارف به صدها مقابل آن رسیده، راهی نیست؛ و رهان در سبق و رمایه مختص است به تیر و کمان و اسب‌دوانی و امثال آن که در جنگ‌های سابق به کار گرفته می‌شده است و امروز هم تنها در همان موارد است؛ و انفال که بر شیعیان تحلیل شده است، امروز هم شیعیان می‌توانند بدون هیچ مانعی با ماشین‌های کذایی، جنگل‌ها را از بین ببرند و آن چه را که باعث حفظ و سلامت محیط زیست است، نابود کنند و جان میلیون‌ها انسان را به خطر بیندازند و هیچ کس هم حق نداشته باشد مانع آنها باشد. منازل و مساجدی که در خیابان‌کشی‌ها برای حل معضل ترافیک و حفظ جان هزاران نفر مورد احتیاج است، نباید تخریب کرد و امثال آن. و بالجمله، آن‌گونه که جناب‌عالی از اخبار و روایات برداشت دارید، تمدن جدید، به کلی باید از بین برود و مردم، کوخ‌نشین بوده و یا برای همیشه در صحراها زندگی نمایند... (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۲۱، ۱۵۲).

اگرچه مثال‌های یادشده در جملات حضرت امام علیه السلام ناظر به مسائل فقهی است، اما مراد ایشان فهم روایات و دوری از جمود و ظاهرگرایی است که این امر قابل سرایت به همه امور در روایات و از جمله مسئله مهدویت است؛ که البته شواهد ناظر به مسئله مهدویت در سطور قبل هم از دیدگاه ایشان بیان گردید.

سطحی‌نگری این جریان سبب استفاده دشمنان اسلام از این جریان و تقویت آنها از سوی دشمنان خواهد شد. استاد مطهری ضمن هشدار توسعه این جریان فکری در جهان اسلام بیان می‌دارند که این تفکر همان تفکر خوارج است که تصلب و اصرار بر باورهای خود داشته و سبب رشد دستگاه بنی‌امیه در جهان اسلام شده‌اند. امروزه هم این تفکر در میان شیعه و سنی مطرح است و دشمنان اسلام از همان سیاست قرآن به نیزه کردن و خام نمودن این جریان متحجر استفاده ابزاری خوبی می‌برد. اگرچه به جهت ظاهری اسمی از مذهب خوارج نیست، اما روح آن در بسیاری از افراد حلول کرده است. (مطهری، ۱۳۸۷: ج ۱۶، ۳۰۵) «هر وقت جاهل‌ها و نادان‌ها و بی‌خبرها مظهر قدس و تقوا شناخته شوند و مردم آنها را سمبل مسلمان عملی بدانند، وسیله خوبی به دست زیرک‌های منفعت‌پرست می‌افتد. این زیرک‌ها همواره آنها را آلت مقاصد خویش قرار می‌دهند و از وجود آنها سدی محکم جلو افکار مصلحان واقعی می‌سازند». (مطهری، ۱۳۸۷: ج ۳۳۴، ۱۶)

نتیجه‌گیری

در مجامع روایی شیعه، روایاتی وجود دارد که به ظاهر بر عدم قیام در عصر غیبت دلالت

دارند. با صرف نظر از راهیافت جعل و تصرف در این دسته از روایت، غالب آنها با سوء فهم و برداشت روبه‌رو هستند که همین امر زمینه نگره منفی قائلان به ظاهر این روایات را در عصر انتظار فراهم آورده است. ظاهرگرایی و نگاه سطحی داشتن بر این روایات که عمدتاً ناشی از نوع نگاه معرفت‌شناسانه آنان بوده، سبب راه‌یابی آسیب‌هایی در میان آنان شده است. در این تحقیق عنوان شریعت‌گرایی سنتی را برای باورمندان به این دیدگاه انتخاب کردیم. نگاه حداقلی به دین داشتن و یا برداشت ناصواب از جامع‌نگری به دین از چالش‌های مهم این جریان است. ممکن است در ظاهر باور به جامعیت حداکثری دین در میان آنان رواج داشته باشد (چه این که برخی این‌گونه نیز می‌گویند) اما به جهت نص‌محوری و حاکمیت‌نگرش اخباری بر اینان، در عمل کاکرد دین حداقلی خواهد بود. از این منظر دیدگاه اینان در نتیجه هیچ تفاوتی با نگاه روشنفکران دینی نخواهد داشت. نپذیرفتن حکومت دینی و یا نهایتاً سکوت در مقابل حاکمیت دینی از آفات دیگر این جریان است. با پذیرش دیدگاه شریعت‌گرایان سنتی عملاً باید سلطه حاکمان جور پذیرفته شود، و شیعیان و عالمان شیعی تن به تشکیل حکومت ندهند. تمرکز این جریان در عدم تشکیل حکومت در عصر غیبت روایاتی است که شیعیان را به این امر وامی‌دارد. ارائه نکردن این دسته از روایات به محک‌مات قرآنی و روایی سبب راه‌یابی این آسیب خطرناک در میان شریعت‌گرایان سنتی شده است. از جهت معرفت‌شناسی جریان یادشده به جهت استفاده حداقلی از عقل، تن به ظاهرگرایی داده و ظواهر روایات را دال بر پذیرش حکومت‌های جور در طول تاریخ دانسته‌اند. آسیب‌های بعدی: انفعال در برابر غرب، عدم آینده‌نگری و محافظه‌کاری در برابر جریان‌های مخالف دین هم نتیجه طبیعی ظاهرگرایی و نص‌محوری صرف خواهد بود. در برابر این جریان، عقلانیت تمدن‌ساز قرار دارد که با تحلیل دلالتی و دقیق روایات هم تن به تشکیل حکومت فقها در عصر غیبت می‌دهد و هم به جامعیت حداکثری دین با دخالت ابزار عقل باور دارد. و در مقابل غرب و تمدن مدرنیسم مواجهه جدی، فعال داشته و برنامه‌ریزی دقیقی برای پایه‌ریزی تمدن نوین اسلامی جهت زمینه‌سازی ظهور دولت امام مهدی علیه السلام دارد.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفی، ۱۴۰۴ق.
- ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبة، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، ۱۳۹۷ق.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام، مصحح: محمد حسین حسینی جلالی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ق.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، مصحح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، دوم، ۱۴۰۴ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق)، کمال الدین و اتمام النعمة، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۹.
- _____، الهدایة فی الاصول والفروع، قم، مؤسسه امام هادی عليه السلام، ۱۴۱۸ق.
- _____، اعتقادات الامامیه، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ق.
- ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن، محقق: محمد فواد عبدالباقی، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه، بی تا.
- اخگری، محمدرضا، ولایتی های بی ولایت (انجمن حجتیه)، تهران، مؤلف، ۱۳۶۷.
- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الأئمة، مصحح: سیدهاشم رسولی محلاتی، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
- امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، قم، شفق، بیست و یکم، ۱۳۸۰.
- انصاری، مرتضی، المکاسب المحرمه، قم، انتشارات مکتب علامه، ۱۳۶۸.
- آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب: از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه: کاظم فیروزمند و دیگران، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۷.
- آصفی، محمدمهدی، انتظار پویا، ترجمه: تقی متقی، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت موعود عليه السلام، ۱۳۸۳.
- باباپور گل افشانی، محمدمهدی؛ جعفرزاده، علی، «نقد و بررسی عدم مشروعیت حکومت

- دینی در عصر غیبت»، نشریه سپهر سیاست، شماره ۲، ۱۳۹۳.
- بازرگان، مهدی، *آخرت و خدا هدف بعثت انبیا*، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷.
- باقی اصفهانی، محمدرضا، *مجالس حضرت مهدی*، قم، انتشارات نصاب، دوم، ۱۳۷۹.
- باقی، عمادالدین، *حزب قاعدین زمان*، تهران، نشر دانش اسلامی، سوم، ۱۳۶۳.
- بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، *عولم العلوم والمعارف والأحوال من الآیات والأخبار والأقوال*، قم، مؤسسه الامام المهدی، ۱۴۱۳ق.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، مصحح: جلال‌الدین محدث، قم، دارالکتب الاسلامیه، دوم، ۱۳۷۱ق.
- بهروزلک، غلامرضا، *جهانی شدن و اسلام سیاسی در ایران*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.
- پولاددژ، محمد، *آینده‌نگری رشد و توسعه در سیستم برنامه‌ریزی*، تهران، نشر صنوبر، ۱۳۶۷.
- پیرو، آن، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر روحانی، تهران، کیهان، ۱۳۷۰.
- تاجری، حسین، *انتظار، بذراقلاب: یادى از قیام جهانی امام مهدی*، تهران، بدر: کوکب، ۱۳۵۸.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غرر الحکم و درر الکلم*، مصحح: سیدمهدی رجائی، قم، دارالکتب الاسلامی، دوم، ۱۴۱۰ق.
- جعفریان، رسول، *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۱.
- جوادی آملی، عبدالله، *انتظار بشر از دین*، قم، اسراء، ۱۳۸۰.
- _____، *امام مهدی: موجود موعود*، قم، اسراء، ۱۳۸۷.
- _____، *شریعت در آینه معرفت*، قم، اسراء، ۱۳۹۰.
- جهان‌نگلو، رامین، *موج چهارم*، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹ق.
- _____، *اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*، بیروت، اعلمی، ۱۴۲۵ق.
- حسینی‌زاده، محمدعلی، *اسلام سیاسی در ایران*، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۸۶.
- خسروپناه، عبدالحسین، *جریان‌شناسی فکری ایران معاصر*، قم، مؤسسه فرهنگی حکمت نوین اسلامی، دوم، ۱۳۸۹.
- خلجی، محمدتقی، *تشیع و انتظار: شیعیان و انتظار ظهور حضرت مهدی*، قم، انتشارات میثم

- تمار، ۱۳۸۴.
- دارابی، علی، *جریان شناسی سیاسی در ایران*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چهارم، ۱۳۸۸.
- دفرونزو، جمیز، *انقلاب اسلامی ایران از چشم انداز نظری*، ترجمه: حمیرا مشیرزاده، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۷۹.
- ذوعلم، علی، «انقلاب اسلامی، تحجر و سنت»، *نشریه کتاب نقد*، شماره ۲۶ و ۲۷، ۱۳۸۲.
- ربانی گلپایگانی، علی، *جامعیت و کمال دین*، قم، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹.
- رحمان ستایش، محمد کاظم، *رسائل فی الولاية الفقیه*، قم، بوستان کتاب، ۱۴۲۵ ق.
- سبحانی، محمد تقی، «درآمدی بر جریان شناسی اندیشه اجتماعی دینی در ایران معاصر»، *فصل نامه نقد و نظر*، شماره ۴۴ و ۴۳، ۱۳۸۵.
- _____، «درآمدی بر جریان شناسی اندیشه اجتماعی دینی در ایران معاصر»، *فصل نامه نقد و نظر*، شماره ۴۶ و ۴۵، ۱۳۸۶.
- سروش، عبدالکریم، *مدار و مدیریت*، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط، دوم، ۱۳۷۶.
- _____، *فره ترازیایدنولوژی*، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط، سوم، ۱۳۷۷.
- سعید، بابی، *هراس بنیادین اروپامداری و ظهور اسلام گرایی*، ترجمه: غلامرضا جمشیدی ها و موسی عنبری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
- سیوطی، جلال الدین، *الحاوی للفتاوی*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
- شفیعی سروسستانی، اسماعیل، *استراتژی انتظار*، تهران، انتشارات موعود عصر ع.ج.ت.، پنجم، ۱۳۸۴.
- شیروودی، مرتضی، *جریان شناسی فکری - فرهنگی انجمن حجتیه*، قم، زمزم هدایت، ۱۳۹۵.
- صادقی رشاد، علی اکبر، *دین پژوهی معاصر: درنگی در گفتمان های سه گانه متجدد، متجدد و مجدد*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر علیه السلام*، قم، مکتبه آیه الله العظمی الصافی الگلپایگانی، ۱۳۸۰.
- صدر، سید محمد باقر، *سنت های تاریخ در قرآن (تفسیر موضوعی)*، ترجمه: سید جمال الدین موسوی اصفهانی، تهران، انتشارات تفاهم، ۱۳۸۱.
- _____، *رهبری برفراز قرون (گفتگو درباره امام مهدی علیه السلام)*، تحقیق: دکتر عبدالجبار

- شراهه، ترجمه: مصطفی شفیعی، تهران، انتشارات موعود، ۱۳۸۲.
- صدر، سیدرضا، راه مهدی، به اهتمام باقر خسروشاهی، قم، بوستان کتاب، دوم، ۱۳۸۱.
- طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مکتبه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ق.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، محقق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبدالمحسن بن ابراهیم الحسینی، قاهره، دارالحرمین للطباعة و النشر، ۱۴۱۵ق.
- طوسی، محمدبن محمد (معروف به خواجه نصیرالدین)، تجرید الاعتقاد، تحقیق: حسین جلالی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
- علیانسب، سید ضیاءالدین، «بررسی و نقد مبانی روایی مخالفان انقلاب در تشکیل حکومت اسلامی در دوره غیبت»، فصل نامه پژوهش های معاصر انقلاب اسلامی، شماره ۲، ۱۳۹۴.
- فتحعلی، محمود و دیگران، درآمدی بر مبانی اندیشه اسلامی، قم، انتشارات مؤسسه امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۱.
- فراتی، عبدالوهاب، روحانیت و تجدد با تأکید بر جریان های فکری - سیاسی حوزه علمیه قم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم / پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹.
- فروم، اریک، انقلاب امید، ترجمه: مجید روشنگر، تهران، انتشارات مروارید، سوم، ۱۳۸۰.
- فوادیان، محمدرضا، «بررسی ادله نفی قیام های پیش از ظهور»، فصل نامه مشرق موعود، شماره ۱۱، ۱۳۸۸.
- فوکو، میشل، ایرانی ها چه رویایی در سر دارند؟، ترجمه: حسین معصومی همدانی، تهران، هرمس، سوم، ۱۳۷۷.
- قندوزی هندی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة لذوی القربی، محقق: علی بن جمال اشرف حسینی، قم، منظمة الاوقاف و الشؤون الخيرية / دارالأسوة للطباعة و النشر، دوم، ۱۴۲۲ق.
- کبیر مدنی شیرازی، سیدعلی خان بن احمد، ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین، مصحح: محسن حسینی امینی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۹ق.
- کچویان، حسین؛ زائری، قاسم، «بازنمایی غرب در گفتمان اسلام احیا شده»، نشریه راهبرد فرهنگ، شماره ۲۰، ۱۳۹۱.
- کدی، نیکی، ریشه های انقلاب اسلامی، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، دوم، ۱۳۷۵.
- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۰۷ق.
- کورانی، علی، المعجم الموضوعی لإحادیث الإمام المهدی علیه السلام، بیروت، دارالمرتضی، ۱۴۳۰ق.

- لطیفی، رحیم، مهدویت، حکومت دینی و دموکراسی، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۸۹.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، محقق: بکری حیانی و صفوة السقا، بیروت، مؤسسة الرساله، پنجم، ۱۴۰۱ق.
- مجتهد شبستری، محمد، مجله راه نو، سال اول، شماره ۱۹، ۱۳۷۷.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، دار احیا التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- محقق اردبیلی، مولی احمد، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ق.
- مصباح یزدی، محمدتقی، نظریه سیاسی اسلام، قم، انتشارات مؤسسه امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۰.
- مطهری، مرتضی، یادداشت ها، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۵.
- _____، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، سوم، ۱۳۸۷.
- مظفری، آیت، جریان شناسی سیاسی ایران معاصر، قم، زمزم هدایت، ۱۳۸۰.
- مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی علیه السلام، قم، نسل جوان، پنجم، ۱۳۸۶.
- موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، پنجم، ۱۳۸۹.
- _____، ولایت فقیه، حکومت اسلامی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۱.
- _____، تحریر الوسیله، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، دوم، ۱۴۰۱ق.
- _____، کتاب البیع، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۴۲۱ق.
- موسوی خمینی، سیدمصطفی، ثلاث رسائل: ولایه الفقیه، العوائد والفوائد (دروس الاعلام و نقدها)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۴۱۸ق.
- موسوی دهرسخی اصفهانی، محمود، مفاتیح الصحه فی طب النبوی والائمه، بی جا، چاپخانه امیر، ۱۳۷۰.
- مهدی زادگان، داوود، «تاجر مدرن»، نشریه قبسات، شماره ۲۲، ۱۳۸۰.
- نائینی، محمدحسین، تنبیه الامه وتنزیه الملة، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸.
- نجفی، موسی، «اندیشه سیاسی حاج آقا نورالله اصفهانی»، کیهان اندیشه، شماره ۳۲، مهر و آبان، ۱۳۶۹.

- نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
- نراقی، مولی احمد، *عوائد الایام*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۷ق.
- نصیری، مهدی، *اسلام و تجدد*، تهران، کتاب صبح، ۱۳۸۱.
- نودهی، علیرضا، «فلسفه تاریخ و دکترین ظهور از منظر شهید صدر»، *فصل نامه مشرق موعود*، شماره ۳، ۱۳۸۶.
- هیرو، دیلیپ، *ایران در حکومت روحانیون*، ترجمه: محمدجواد یعقوبی دارابی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۶.

